

دست‌های پرازخالی راز دوقطبی‌های کاذب

دوقطبی سازی تبعات گسترده‌ای دارد و لطمات بسیاری به جامعه خواهد زد. این دوقطبی‌سازی‌های دروغین گاهی برای ایجاد اصطکاک و تلف کردن نیروی جامعه و گاه با اهداف دیگری نظیر پوشاندن مسائل مهم روز و معضلات جامعه است...



دوقطبی سازی تبعات گسترده‌ای دارد و لطمات بسیاری به جامعه خواهد زد. این دوقطبی‌سازی‌های دروغین گاهی برای ایجاد اصطکاک و تلف کردن نیروی جامعه و گاه با اهداف دیگری نظیر پوشاندن مسائل مهم روز و معضلات جامعه است چرا که جامعه دوقطبی به راحتی قابل نفوذ و قابل شکستن است و با کمترین هزینه می‌توان افراد را به جان همدیگر انداخت و امنیت روانی جامعه را مختل کرد.

معمولاً هدف اول را دشمنان نظام دنبال می‌کنند. رهبر معظم انقلاب در اسفند ماه سال گذشته فرمودند: «منشأ اصلی دوقطبی‌سازی‌های دروغین، در خارج از کشور است اما متأسفانه برخی اوقات در داخل نیز تکرار می‌شود.» تبعات دوقطبی‌سازی‌های کاذب و منفی در کلام رهبر انقلاب این سه مورد است:

۱. شکاف در حاکمیت

۲. شکاف بین حاکمیت و مردم

۳. شکاف میان نخبگان سیاسی و امتداد آن در جامعه
تبعات دوقطبی‌سازی

دوقطبی‌سازی یا به بیانی دیگر؛ ایجاد فضای تقابل صدمات جبران‌ناپذیری را متوجه همبستگی جامعه می‌کند و این موضوع بستری بالقوه برای تفرقه و چنددستگی اجتماعی می‌کند.

نمونه ملموس نتایج دوقطبی‌سازی منفی در انتخابات سال ۸۸ نمودی آشکار داشت چرا که در یک جامعه دوقطبی به راحتی می‌توان زمینه‌های جنگ و نا آرامی‌های داخلی را مهیا کرد و حتی می‌توان موجبات درگیری‌های خونین خیابانی را فراهم ساخت.

بازی دوقطبی‌سازی انتخابات و مناقشاتی که در پی داشت منجر به آن شد که روند و نتایج انتخابات از سوی فتنه‌گران زیر سؤال برود و کار به آنجا رسید که معاندان نظام بهترین فرصت را برای ایجاد اغتشاش در جامعه دیدند و قریب به ۹ ماه جامعه ایران را دچار التهاب و اغتشاش کردند.

در این میان برخی رسانه‌های داخلی نیز با اهدافی دیگر به دوقطبی‌سازی دامن می‌زنند. هدف از این دو قطبی‌سازی‌ها بیشتر آن است که موضوعات اصلی به حاشیه رانده شود. اما چه کسانی منفعت خویش را در ایجاد این فضا در داخل کشور می‌دانند و لاجرم به دوقطبی‌سازی دامن می‌زنند؟

دغدغه‌های انتخاباتی برای ریاست جمهوری ۱۳۹۶ بسیار زود هنگام آغاز شد. منشأ آن نیز روزنامه‌های زنجیره‌ای بودند. پروژه‌ای به نام «عبور کردن یا نکردن از روحانی» که بیشتر نوعی جنگ زرگری بود. به همراه این موضوع دوقطبی‌های فرضی برای انتخابات آینده تعریف شد و برخی رسانه‌ها به بازتاب و پمپاژ آن پرداختند.

میانه‌رو و تندرو

یکی دیگر از دوقطبی‌سازی‌هایی که توسط رسانه‌های معاند مطرح و متأسفانه در داخل نیز به آن دامن زده شد دوگانه «میانه رو- تندرو» بود. از این دو قطبی در موضوع برجام و برخورد با منتقدان آن نیز بیشترین استفاده شد.

رهبر انقلاب ضمن پرهیز از به کارگیری این الفاظ برای ایجاد دوقطبی فرمودند: «با تکرار ادبیات تندرو و میانه‌رو هدف دشمن را تامین نکنید.» معظم‌له در دیدار مردم نجف آباد در اسفند ماه سال گذشته به تبیین این دو واژه پرداختند و مسئولان و سیاسیون را به پرهیز از تکرار ادبیات سیاسی دشمن، به‌ویژه استفاده از تعبیر «تندرو» و «میانه‌رو» توصیه کردند و افزودند: «از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، بدخواهان این تعبیر را به‌کار بردند و منظور آنها از تندرو کسانی است که نسبت به انقلاب اسلامی و تفکر و اصول امام پایبندتر و مصمم‌تر هستند و مقصود آنها از میانه‌رو کسانی هستند که در مقابل بیگانگان، تسلیم و سازش‌پذیرتر هستند.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: «کسانی که در داخل این تعابیر را به‌کار می‌برند باید معارف اسلامی را به‌دقت مطالعه کنند زیرا

در اسلام، چنین تقسیم‌بندی وجود ندارد و میانه و وسط، به معنای «راه مستقیم» است. بنابراین در مقابل راه میانه، تندروری قرار ندارد بلکه منحرفین از صراط مستقیم قرار دارند. در مسیر مستقیم ممکن است عده‌ای تندتر بروند و عده‌ای هم کندتر، که این اشکالی ندارد.»

دوگانه سازی برجامیان و نابرجامیان برای انتخابات دوقطبی‌سازی با عناوین «برجامیان» و «نابرجامیان» در سال گذشته و برای انتخابات تعریف شد و نخستین سوءاستفاده از این دوقطبی‌سازی منفی در جریان انتخابات مجلس دهم رخ داد. رسانه‌های معاند نظام نیز، فرصت را غنیمت شمرده و بر این دوگانه‌سازی کاذب دمیدند.

یکی از سایت‌های منتسب به جریان فتنه در 18 بهمن 1394 یادداشتی را با عنوان «انتخابات؛ دوگانه برجامیان - نابرجامیان» منتشر کرد و رسماً از دوقطبی‌سازی با عنوانی جدید برای انتخابات مجلس رونمایی کرد.

همچنین سعید حجریان در اردیبهشت ماه سال جاری در گفت و گویی با روزنامه اعتماد به ارایه تحلیل خویش از انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخت. این تئورسین مدعیان اصلاح‌طلبی دوقطبی «برجامیان» و «نابرجامیان» را برای انتخابات مجلس مطرح کرد و گفت: «در این انتخابات اخیر ما با یک مسئله دیگری هم روبه‌رو بودیم، اینکه ما در این انتخابات بیشتر با تقسیم‌بندی برجامیان و نابرجامیان رو به رو بودیم تا اصلاح‌طلبان و اصولگرایان. با چنین دسته‌بندی عقلای اصولگرا به اصلاح‌طلبان گرایش پیدا کردند و نابرجامیان ضعیف شدند در حالی که شاکله لیست اصولگرایان در تهران نابرجامی بود.»

دوقطبی‌سازی تنها به موضوعات محدود نشده و طراحان چنین پروژه‌ای از نام چهره‌ها و اشخاص نیز در بازی خود استفاده می‌کنند. طرح دوقطبی‌های کاذبی مانند «روحانی- احمدی‌نژاد» و «سلیمانی-ظریف» از جمله این بازی‌های سخیف سیاسی-رسانه‌ای هستند. مروری بر صفحات نخست رسانه‌های زنجیره‌ای به خصوص در ماه‌های اخیر به روشنی نشان‌دهنده این پروژه است.

صدور بیانه‌ای از سوی سردار سلیمانی مبنی بر اینکه تا پایان عمر سرباز ولایت و مردم خواهد بود و قصدی برای ورود به عرصه سیاست و انتخابات ندارد و پایان داستان حضور یا عدم حضور احمدی‌نژاد در انتخابات 96 دست دوقطبی‌سازان را از بازی با نام‌ها و چهره‌ها تا حد بسیار زیادی خالی و آنان را خلع سلاح کرد.

گرچه بعید به نظر می‌رسد آنان حتی با وجود دست‌های خالی خود، زمین دوقطبی‌سازی کاذب را ترک کنند.

این دو قطبی‌سازی‌ها

برای پنهان کردن چیست؟

وقتی در جامعه دو قطبی‌های کاذب مطرح و به آن دامن زده می‌شود نخستین سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که این کار به چه منظور انجام می‌شود و برای پوشاندن چیست؟ از طرفی دیگر عملکرد دولت یازدهم و پرداختن به برخی حاشیه‌ها و اظهارنظرهای عجیب، به دو قطبی کردن فضای جامعه دامن زده است. مدافعان و طراحان دو قطبی‌سازی، بیش از آنکه برنامه‌ای برای اداره کشور داشته باشند، بر رویکرد نفی و نقد قطب مقابل تأکید دارند.

با آنکه دو قطبی انتخابات سال آینده ریاست جمهوری که توسط روزنامه‌های زنجیره‌ای و رسانه‌های مدعی اصلاح‌طلبی به آن دامن زده می‌شد زودتر از تصورشان فرو ریخت همچنان تیترهای بسیاری در روزنامه‌های زنجیره‌ای به رئیس‌جمهور پیشین اختصاص دارد. در شماره دیروز برخی روزنامه‌های زنجیره‌ای حتی تا چهار تیتر در صفحه نخست پیرامون این موضوع دیده می‌شد. همچنان که با گذشت بیش از سه سال از دولت همچنان فراقکنی مشکلات به قبل دیده می‌شود.

راهی برای پوشاندن

وعده‌های محقق نشده

رئیس‌دولت یازدهم در وعده‌های انتخاباتی خود در خصوص برنامه‌های دولت برای بهبود و ایجاد تحرک اقتصادی در صد روز گفته بود: «راه‌حل‌های کوتاه مدت یک ماه و ۱۰۰ روزه برای حل مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاست داخلی و خارجی در دولت تدبیر و امید پیش‌بینی شده است که با این برنامه ما می‌توانیم در یک فرصت کوتاه شاهد تحول اقتصادی باشیم.» و این جمله به یکی از شعارهای انتخاباتی او تبدیل شد.

پس از عملی نشدن وعده ۱۰۰ روزه، روحانی در اردیبهشت ماه 1393 برای مردم از وعده‌ای تازه گفت: «سال ۹۳ را سال رونق تولید و شکستن رکود اقتصادی اعلام می‌کنم». به سرانجام نرسیدن وعده‌های قبلی دولت باعث شد تا رئیس‌جمهور در فروردین ماه 1394 «هدف دولت در سال ۹۴ را تحقق رونق اقتصادی» بیان کند و دست آخر وی در پایان همان سال (1394) در سفر استانی به خراسان شمالی وعده محقق نشده برای سال 94 را دوباره تکرار و به سال بعد موکول کرد: «قول می‌دهم سال ۹۵ سال رونق اقتصادی شود.»

تفاخر به رشد اقتصادی بی‌کیفیت

در این سالها دولتمردان بر روی رشد اقتصادی به دست آمده بسیار تکیه و تفاخر کرده و آن را یکی از دستاوردهای دولت یازدهم دانسته‌اند. در حالی که به اعتقاد کارشناسان این رشد اقتصادی بی‌کیفیت و غیرقابل اتکاست و تداوم نخواهد داشت.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی پیرامون رشد اقتصادی کشور آورده است: «در سال 1394، رشد مجموع ارزش افزوده بخش‌ها برابر با 3/0 درصد و رشد تولید ناخالص داخلی 3/1 درصد بوده است. تفاوت این دو رقم به خالص مالیات بر واردات مربوط است که عددی برای رشد آن در ارقام اعلامی مرکز آمار ایران ارائه نشده است. علاوه بر این با کسر سهم نفت و

کشاورزی، رشد ارزش افزوده ناشی از عملکرد سایر بخش‌ها (0/4-) درصد خواهد بود. در تحلیل واقع بینانه از منظر سیاستگذاری شاید مناسب‌تر باشد که سهم این دو بخش به طور مجزا تحلیل شده و معیار ارزیابی شرایط رونق و رکود کشور قرار نگیرند، زیرا عملکردشان بیشتر متأثر از عوامل برونزا است و رشد آنها به طور بالقوه می‌تواند مسیری به غیر از مسیر کل اقتصاد داشته باشد (بخش نفت به دلیل آنکه دارای پیوندهای ضعیفی با سایر بخش‌های اقتصادی است و بخش کشاورزی نیز بیشتر متأثر از شرایط آب و هوایی است تا رونق و رکود کل اقتصاد). بنابراین، با تامل در جزئیات آمار رشد بخش‌های اقتصادی نمی‌توان به طور قطعی بیان کرد که اقتصاد ایران در سال 1394 از رکود خارج شده است.»

این گزارش در پایان نتیجه می‌گیرد که رشد اقتصادی مورد ادعای دولت ناشی از افزایش تولید نفت و صادرات آن است که نمی‌توان به آن تکیه کرد: «نکته مهم در مورد رشد 6/6 درصد برآوردی برای سال 1395 مربوط به نقش پررنگ بخش نفت است. زیرا 9/3 درصد از رشد 6/6 درصدی سال 1395 مربوط به بخش نفت می‌باشد. بنابراین باید سهم بزرگی از رشد 6/6 درصدی اقتصاد ایران در سال 1395 را مبتنی بر گسترش تولید و صادرات نفت (ناشی از اجرایی شدن برجام و لغو تحریم صادرات نفت ایران) دانست.» یک اقتصاددان اصلاح‌طلب در فروردین ماه سال جاری در مصاحبه با آرمان رشد اقتصادی مورد ادعای دولت را «بی‌کیفیت» دانست. فرشاد مومنی در آن مصاحبه گفت: «رشد قابل پیش‌بینی برای سال ۱۳۹۵ همچنان یک رشد بی‌کیفیت است. این به آن معناست که از یک طرف بار اصلی رشد که تحقق پیدا می‌کند روی فروش نفت خام و سایر فعالیت‌های خام فروشی است و از طرف دیگر با کمال تأسف باید گفت که همچنان جای خالی یک فعالیت یا برخورد مثبت و سازنده برای رفع مشکلات بخش‌های مولد در جهت گیری‌ها و برنامه‌های ریز و درشتی که دولت تدبیر و امید عنوان می‌کند، خالی است. بنابراین باید به رئیس‌جمهور و تیم اقتصادی ایشان گوشزد کرد که رشد بی‌کیفیت دردی از مسائل بسیار پیچیده اقتصاد اجتماعی ایران دوا نمی‌کند.»

«چند برابر شدن نقدینگی»، «پیش‌بینی تورم دو رقمی برای ماه‌های آینده سال جاری»، «وضعیت منفی بورس» و... را به موارد فوق بیفزایید. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد، مطرح کردن و مانور دادن روی دو قطبی‌های کاذب برای پوشاندن وعده‌های محقق نشده و مسائل و دغدغه‌های اصلی و واقعی جامعه است.